

مستندي ممنوع شده درباره لابي طرفدار اسرائيل

جاسوسي و ارباب الان گرش

مدیر نشریه اینترنتی اوریان ۲۱

ترجمه بهروز عارفی

تلویزیون قطري الجزیره گزارشي تهیه کرده که از روش های گروه های فشار آمریکائی طرفدار اسرائیل پرده برمی دارد. اما، از ترس اینکه این سازمان ها را در اختلافات عربستان با قطر از خود دور نکند، این کشور پخش آن گزارش را متوقف کرد.

جیمز آنتونی کلین فیلد، جوان بریتانیائی یهودی به رغم سر و وضع دانشجویی اش، همه مشخصات یک جنتمن را دارد. او از هر لحاظ پسندیده است، تحصیلکردهء دانشگاه معتبر آکسفورد است، به شش زبان از جمله هلندی و ییدیش حرف می زند و بدون دشواری، به رموز مناقشه های خاورمیانه پی می برد. او به همان سادگی که در اداره های وزارت امور خارجه کشورهای غربی وارد می شود، در اندیشکده های مشهور نیز راه دارد. در حال حاضر، او برنامه های دیگری دارد. وقت خود را صرف سازمان های آمریکائی هوادار اسرائیل می کند. موسسه « برنامه اسرائیل» (The Israel Project, TIP) او را استخدام کرده تا مشاطه گری چهره اسرائیل را به عهده گیرد. او که به خاطر توانائی هایش با آغوش باز مورد استقبال قرار گرفت، به مدت پنج ماه با مسئولان درجه اول انجمن های مدافع بی قید و شرط اسرائیل، از جمله لابی قدرتمند طرفدار اسرائیل در آمریکا موسوم به آپیک American Israel Public Affairs Committee, AIPAC (۱)، رفت و آمد کرد. او با این محافل معاشرت کرده، در جشن ها، کنگره ها، اجلاس و دوره های آموزشی ویژه اعضا شرکت کرد و با این و آن پیوند نزدیک ایجاد می کند. او فردی ست خونگرم، خوشرو، موثر که به راحتی

اعتماد مخاطبین خود را جلب می کند، به صورتی که با او با گشاده روئی صحبت کرده، « زبان قالبی » و تعارفات را به کنار می گذارند. رازهایی که برملا میکنند انفجار آمیز است.

چگونه آن ها در کنگره نفوذ می کنند ؟ « اعضای کنگره کاری نمی کنند مگر این که بر آن ها فشار وارد شود و تنها راه برای این کار پول است ». چگونه با فعالان طرفدار حقوق فلسطینیان در محیط های دانشگاهی مبارزه می کنید ؟ « موثرترین روش درمورد ضداسرائیلی ها ، تحقیق در مورد آن هاست، سپس نتیجه را بر روی شبکه ای ناشناس پخش کرده و از طریق آگهی های هدف مند بر روی فیس بوک منتشر می کنید. » مخاطبان کلین فلد با ساده لوحی زیاد افرادی که گمان می برند با دوستی درد دل می کنند، اعتراف می کنند که با کمک وزارت امور استراتژیکی اسرائیل به عملیات جاسوسی در مورد شهروندان آمریکائی دست می زنند.

این وزارتخانه که در سال ۲۰۰۶ تاسیس شده، زیر مسئولیت مستقیم نتانیاهو نخست وزیر کار می کند. یکی از مسئولان آن می گوید: «ما حکومتی هستیم که در سرزمین کشور بیگانه ای کار می کند و باید بسیار زیاد محتاط باشیم». در واقع برخی از این فعالیت ها قابل تعقیب در دادگاه های آمریکائی ست.

در پایان دوره کارآموزی « تونی »، اریک گالاگر، رئیس او در TIP، از خدمت او چنان رضایت دارد که پیشنهاد می کند او را استخدام کند. «بسیار علاقمندم که برای من کار می کردی. من به فردی نیاز دارم که حس کار جمعی داشته، سخت کار، مشتاق، کنجکاو و آموزش دیده بوده و خوب حرف بزند و زیاد کتاب خوانده باشد. تو همه این ها را داری.». اما شاگرد او رد می کند. زیرا، می توان حدس زد که او آن کسی نیست که ادعایش را دارد، حتی اگر دیپلم ها و قابلیت هایش قابل انکار نباشند. در واقع او یک نفوذی ست که تلویزیون الجزیره، متعلق به امیر قطر برای تهیه گزارش مستند از لابی طرفدار اسرائیل استخدام کرده است. او بخشی از این درد دل ها را با دوربینی مخفی فیلمبرداری کرد و با گزارش های افراد دیگری که با مسئولیت فیل ریس Phil Rees (از بخش تحقیق و بررسی الجزیره) کار می کردند، همه خصوصیات یک بررسی چشمگیر و تماشائی را در یک جا گرد آوری کردند. پخش این گزارش از آن جهت بیشتر مورد انتظار بود، که به ویژه پخش گزارشی از لابی طرفدار اسرائیل در بریتانیا در تلویزیون الجزیره در سال ۲۰۱۷ (۲) دخالت های اسرائیل را در امور داخلی یک کشور خارجی و تلاش های آن دولت را برای سقوط وزیری نشان

می داد که اسرائیل او را مخالف خود به حساب می آورد. این کار موجب عذرخواهی علنی سفیر اسرائیل در لندن و بازگشت شتاب زده یک دیپلمات عالی مقام به تل آویو شد.

در نتیجه می بایست در انتظار رویدادی رسانه ای بود که به یقین تکذیب های اهانت آمیز و جدل های خشونت بار را نیز به همراه خواهد داشت. اما چنین نشد؛ پخش مستند که قرار بود اوایل ۲۰۱۸ انجام شود، بدون هیچ توضیح رسمی به مدت نامعلومی به تاخیر افتاد. با انتشار مقاله هایی در مطبوعات یهودی آمریکا (۳) روشن شد که این فیلم مستند پخش نخواهد شد. کلایتون سویش رومدیر بخش تحقیق تلویزیون الجزیره در مقاله ای با تاسف این خبر را تایید کرد؛ چند روز بعد، الجزیره اعلام کرد که وی به مرخصی طولانی بدون حقوق رفته است (۴). در نبرد بی رحمانه ای که قطر از یک سو، و عربستان سعودی و امارت متحده عربی از طرف دیگر، برای کسب نظر مساعد واشینگتن در مناقشه ای که از ژوئن ۲۰۱۷ درگیر شده بودند، این مستند تحقیقاتی نیز فدا شد (۵). در این مسیر، چه پیروزی از این بهتر که مساعدت لابی طرفدار اسرائیل که نفوذش در سیاست خاورمیانه ای آمریکا بر کسی پوشیده نیست، جلب گردد؟

قطر برای برهم زدن تناسب قوا، پخش فیلم را به « تعویق » انداخت و در مقابل از پشتیبانی دور از انتظار جناح راست لابی که پیش از آن نیز در کل به راست گرایش داشت، برخوردار شد. حتی، مورتون کلاین، رئیس سازمان صهیونیستی آمریکا (ZOA)، از نزدیکان استفن بانون، مشاور پیشین دونالد ترامپ به دوحه سفر کرد و از به فراموشی سپرده شدن گزارش مستند ابراز شادمانی کرد (به مقاله « قطر در جستجوی دوست » مراجعه کنید). این که چنین گروه هایی که چندی پیش قطر را به کمک مالی به حماس و تروریسم متهم می کردند، یک دفعه می پذیرند که در مقابل عدم پخش این « تحقیق و بررسی » چنین تغییر جهت دهند، حاکی از ماهیت درد سر ساز افشاگری های درون این گزارش است.

دفع نتیجه کاری که بیش از یک سال به طول انجامیده، در درون این کانال تلویزیونی جنب و جوشی به پا کرد. برخی تمایل دارند که این افشاگری ها در شن های روان ساخت و پاخت های ژئوپولیتیکی غرق نشود. به همین دلیل، ما به لطف یک دوست ساکن خلیج فارس توانستیم نسخه تقریباً کامل هر چهار قسمت (هرکدام ۵۰ دقیقه) این مستند را تماشا کنیم.

آن چه که با دیدن این فیلم موجب حیرت می شود، هیجان تب آلودی است

که از چند سال پیش این لابی دچار آن شده و دلیل آن وحشت مبهمی است که به خاطر از دست دادن نفوذ بر آن مستولی شده است. چگونه می توان این نکته را توضیح داد، در حالی که پشتیبانی از اسرائیل در ایالات متحده بسیار گسترده است و نمایندگان عضو هر دو حزب، جمهوری خواه و دموکرات، از هر ماجراجویی اسرائیل بی قید و شرط حمایت می کنند؟ آیا انتخاب ترامپ، اراده آمریکا را به سوی کنار گذاشتن ایفای نقش میانجی در مناقشه اسرائیل-اعراب سوق نداده و یا این که بدون کوچکترین ظاهر سازی در کنار راست گرا ترین دولت تاریخ اسرائیل قرار نگرفته است؟ بدون تردید چنین است؛ ولی در این چشم انداز ظاهراً مساعد، شبهی لابی را به دهشت انداخته است و آن کارزار «بایکوت، عدم سرمایه گذاری و مجازات» (BDS) است.

این جنبش که از ۲۰۰۵ آغاز شده از روش های غیرخوشونت آمیز استفاده می کند که امتحان خود را علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی، داده است. جنبش فوق در دانشگاه های آمریکا با موفقیت روبرو شد. داوید بروگ رئیس امور راهبردی مسیحیان متحد برای اسرائیل (CUFI) و مدیر اجرایی MaccabeeTask force، یکی از گروه هایی که با BDS در جنگ است، می پرسد که واقعا باید از این نکته هراس داشت؟ «اسرائیل یک "Start-up nation" است. این کشور بیش از هر زمان در تاریخش، سرمایه گذاری خارجی دریافت می کند. پس چرا نباید کمی آرام تر باشیم و دریابیم که BDS چیزی نیست و انکارش کنیم؟» او تأکید می کند: «من فکر نمی کنم که هدف BDS هرگز این بوده باشد که دانشگاه ها سرمایه های خود را از اسرائیل بیرون بکشند. آن چه به پول مربوط می شود، ما نگران نیستیم؛ اما اقدامات انجام شده برای حفر گودالی بین ما که اسرائیل را دوست داریم و نسل جدید نگران کننده است. در بین جوانان متولد پس از سال ۲۰۰۰ و دانشجویان، به نقطه ای می رسم که اکثریت بیشتر طرفدار فلسطینی ها است تا اسرائیلیان». ژاکوب بریم، مدیر اجرایی «Israel on Campus Coalition»، یک گروه سازماندهی که بیش از صد نفر برای مبارزه با BDS در دانشگاه ها استخدام کرده، با دلوایسی می گوید: «تنها نکته ای که وجه اشتراک همه نمایندگان کنگره، همه روسای جمهور، همه سفیران است، این واقعیت است که همه دوره دانشگاه را گذرانده اند و در آن دوران است که انسان شکل می گیرد». آیا آن ها فردا نیز «دوستان اسرائیل» خواهند بود؟

بی اعتبار ساختن پیام آور

عامل دیگری به لابی هشدار می دهد. پشتیبانی از اسرائیل، همواره

موجب دسته بندی بیشتر بین جمهوری خواهان و دموکرات ها شده است. مگر ، اوباما چند ماه پیش از پایان دوره ریاستش، به رغم مناسبات نفرت انگیزش با نتانیاهو، کمک بلاعوض ۳۸ میلیارد دلاری به مدت ده سال را از مجلس نگذراند ؟ اما چشم انداز سیاسی دگرگون می شود و پیوستن بی قید و شرط لابی به ترامپ موجب کاهش پایه اجتماعی وی شده و آن را بیش از پیش به حزب جمهوری خواه و مسیحیان راست اوانجلیستی محدود می کند. دیوید هازونی رئیس پیشین مجله «تاور» عضو موثر TIP در این مستند آن را تایید می کند: «بایکوت فوری اسرائیل مسئله ای ایجاد نمی کند. بزرگترین مسئله، حزب دموکرات و طرفداران برنی ساندرز ، و همه ضداسرائیلیانی است که اینان به درون حزب دموکرات می آورند. بزودی، طرفدار اسرائیل بودن اجتماعی دو حزبی نخواهد بود و هر وقت که رئیس جمهور تغییر می کند، بیم آن می رود که سیاست آمریکا در قبال اسرائیل نیز تغییر کند. این امر خطرناکی برای اسرائیل است. در محیط دانشگاه ها نیز همین امر مطرح بوده و بر سر آن جنگ است.» این نکته ای است که جان میرشایمر (یکی از دو نویسنده کتابی معروف در مورد لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا) (۶)، که تفسیرهای باارزشش را در گزارش مستند می توان شنید، تایید می کند. او به این نتیجه رسیده که از این پس، پشتیبانی از اسرائیل در درون حزب جمهوری خواه بیشتر شده، در حالی که در حزب دموکرات سیر نزولی داشته است و می گوید « بین این دو حزب، تفاوت های اساسی وجود دارد.»

چگونه می توان با این دگرگونی مقابله کرد ؟ با براه انداختن بحث و جدلی سیاسی ؟ در حالی که از زمان شکست توافق های اسلو که در سال ۱۹۹۳ امضاء شد، اسرائیل را احزاب راست افراطی رهبری می کنند که هر راه حل دیپلماتیک را رد می کنند، این کار دشوار است. آن چه که مطرح نیست، مذاکره در مورد سرنوشت فلسطینی ها، آینده شهرک های استعماری (کولون ها) یا فاجعه غزه است. پیوستن لابی به نتانیاهو و ترامپ کمتر می تواند اشتیاق دانشجویان آمریکائی را برانگیزد. ماکس بلومنتال، روزنامه نگار (در توییتی در ۱۵ فوریه ۲۰۱۸) تاکید می کند که لابی این تاکتیک امتناع از مذاکره را در مستند الجزیره به خوبی به نمایش می گذارد؛ یعنی، این که روزنامه نگاری پژوهشی را با جاسوسی مترادف می شمرند؛ سعی در بی اعتبار کردن تلویزیون الجزیره با خلاصه کردن آن به صاحبش، قطر می کنند؛ بر این نکته پا فشاری می کنند که موضوع ، «لابی یهودی» است و نه حمایت از اسرائیل. و بدین ترتیب از هرگونه بحث در مورد محتوای افشاگری ها و سیاست اسرائیل دوری می کنند.

مدیر اجرایی کمیته اضطراری برای اسرائیل (ECI)، نوآ پولاک روش اتخاذ شده علیه انتقادهای را چنین تحلیل می کند: «برای بی اعتبار کردن هر پیامی، باید پیام آور را بی اعتبار کرد. هنگامی که از BDS صحبت می کنید، مجبورید اضافه کنید که این گروه، مبلغ نفرت، و خشونت علیه غیرنظامیان است. یعنی از تروریسم حمایت می کند». و صدالبته، جریان یهودستیز است. سازمان «صدای یهودی برای صلح» (JVP) ترجیح می دهد «صدای یهودی برای حماس» بنامد... اما، او هنوز خوش بین است، زیرا همان طور که به «تونی» توضیح می دهد، اکثریت آمریکاییان موافق با اسرائیل اند، در حالی که در بریتانیا «نفرت ناب را دارید. شما به پاکستانی های گ... اجازه داده اید که در کشورتان سکنی گزینند».

برای «بی اعتبار کردن پیام رسان»، باید اخبار گوناگون کسب کرد. از زندگی خصوصی تا فعالیت های حرفه ای فرد، و نیز گرایشات سیاسی او. در سال های اخیر، لابی طرفدار اسرائیل یک شبکه جاسوسی دایر کرده است. آقای بریم با غرور می گوید «عملیات تحقیقاتی ما از فن آوری پیشرفته برخوردار است. هنگامی که چند سال پیش، من مسئولیت گرفتم، بودجه ما چند هزار دلار بود؛ اکنون بودجه ما یک ونیم میلیون، بی تردید ۲ میلیون دلار است. درست نمیدانم؛ مبلغ زیادی ست.» اما او و دوستانش ترجیح می دهند «نامرئی» بمانند؛ «ما این کار را به صورتی ایمن و ناشناس انجام می دهیم؛ رمز موفقیت ما این است.»

در بین گروه هایی که بیش از همه موجب هراس فعالان طرفدار حقوق فلسطینیان است، گروهی به نام Canary Mission (۷) وجود دارد که منابع مالی، اعضا و کارکردش سری است. یک روزنامه نگار نزدیک به لابی، نقش آن را چنین توضیح می دهد: «کسانی که از آن نفرت دارند، کسانی هستند که هدف آن قرار دارند، که از "لیست سیاه" حرف می زنند. در این لیست شما نام ها، دانشجویان و استادان دانشگاهی، و سازمان هایی را می بینید که گویا با تروریسم یا تروریست ها پیوند دارند و به نابودی دولت یهود فراخوان می دهند». سایت اینترنتی این سازمان هدف خود را چنین خلاصه می کند: «اطمینان پیدا کنید که رادیکال های امروزی، فردا کارمندان شما نشوند». زندگی نامه هر قربانی را برای داوری دیگران نصب می کنند که بالای آن نوشته شده: «اگر شما نژاد پرستید، همه باید آن را بدانند»

کلین فلد موفق شده بنیانگذار و منبع مالی آن را کشف کند. او آدام میلستین، رئیس «شورای آمریکایی اسرائیلی» (IAC) است که در سال

۲۰۰۹ به جرم تقلب مالیاتی به زندان محکوم شده بود، که البته مانع از ادامه فعالیت هایش از درون سلول زندان هم نشد. او فلسفه خود را به جوان مخاطب شرح می دهد: «ابتدا، باید در مورد آن ها تحقیق کرد [منظور فعالان طرفدار فلسطین است]. باید فهمید برنامه و طرح آن ها چیست؟ آیا به یهودیان حمله می کنند، بخاطر این که آسان است، زیرا محبوبیت عمومی را به همراه دارد. ما باید چهره آن ها را به خاطر آن چه که هستند برملا کنیم. یعنی اینکه آنها نژاد پرست و مخالف دموکراسی هستند. باید آن ها را به گرفتن موضع دفاعی وادار سازیم.»

چندین دانشجو از مخاطراتی که تهدیدشان می کند صحبت کردند. خانم سومر عواد که در کارزار دفاع از حقوق فلسطینیان در ناکس ویل (ایالت تِنِسی) شرکت کرده، نقل می کند چگونه به مدت دو سال هدف آزار در تویتر قرار گرفت و علاوه بر آن، «آن ها» در مورد او اطلاعات مربوط به ده سال گذشته را روی اینترنت پخش کردند: «آن ها تا بتوانند جستجو و کنکاش می کنند. فردی با کارفرمای من تماس گرفته و با تهدید از او خواسته است که مرا از کار اخراج کند، و الا او را به عنوان یهودستیز افشا خواهند کرد». این شیوه خبرچینی ممکن است به مرگ حرفه ای افراد منجر شود یا مشکلاتی را برای یک دانشجو در کاریابی پس از پایان دوره تحصیل ببار آورد. لذا، برخی از متهمان مجبور شدند «توبه نامه» ای بفرستند که در سایت Canary Mission منتشر شود (۸) تا در عوض این کار، نام شان از فهرست سیاه حذف شود: این پیام ها به صورت «اعتراف های» یک ناشناس پخش می شوند که در آن فرد توضیح می دهد که «فریب» خورده است. این اعترافات به اعتراف هایی که به زور از هواداران کمونیسم در دوران مک کارتیسم در ایالات متحده در سال های دهه ۱۹۵۰ گرفته می شد یا به آن چه در رژیم های خودکامه امروزی می گذرد، شباهت دارد. آقای بریم با خوشحالی اظهار می داشت: «این یک جنگ روانی ست. آن ها به وحشت افتاده اند، یا دهان شان را می بندند یا وقت شان را به جای حمله به اسرائیل صرف جستجو [در مورد اتهامی که به آنان وارد شده] می کنند. این روش بسیار موثر است». با این حال، یکی از دیگر مخاطبان «تونی» اظهار تاسف می کند که «افترا زدن نسبت به فردی با معرفی او به عنوان یهودی ستیز دیگر همان اثر پیشین را ندارد».

این جنگ و دعوا که بر جمع آوری اطلاعات شخصی از شهروندان آمریکایی متکی است، بدون امکاناتی که وزارت اموراستراتژیکی اسرائیل در اختیار آنان قرار می دهد، میسر نیست. خانم سیما واکنین-جیل، رئیس

کل آن موسسه در کنفرانسی در محل (IAC) این نکته را تایید کرد: «جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات، بررسی سازمان های فعال، رد یابی مسیر کمک مالی، اینها کارهایی است که فقط یک کشور، با منابعی که در اختیار دارد می تواند به بهترین وجه انجام دهد». او می افزاید: «این واقعیت که دولت اسرائیل مصمم شده بازیگر کلیدی باشد، بسیار پرمعنی است. زیرا ما می توانیم قابلیت هایی عرضه کنیم که سازمان های غیردولتی درگیر در این زمینه فاقد آن هستند. ما تنها بازیگر شبکه طرفدار اسرائیل هستیم که قادر به پرکردن این خلاء است. (...) ما دارای بودجه کافی بوده و می توانیم چیزهای مختلفی عرضه کنیم». سپس، اظهارات او لحنی تهدیدآمیز می گیرد: «تمام کسانی که ارتباطی با BDS دارند باید دوبار فکر کنند: آیا من باید این اردوگاه را انتخاب کنم یا اردوگاه مقابل را؟»

نقض قوانین آمریکا

خانم واکنین-جیل تایید می کند که در این کار جمع آوری اطلاعات: «ما FDD و دیگران را داریم که [برای ما] کار می کنند. بنیاد دفاع از دموکراسی ها (FDD) اندیشکده ای نئو کان [محافظه کاران نو] است که در سال های اخیر، در نزدیکی امارات متحده عربی و اسرائیل نقش مهمی ایفا کرده است. در سال گذشته، این بنیاد در کارزار علیه قطر و الجزیره، که متهم شده بود که ابزاری در بی ثبات کردن منطقه است، شرکت کرد. با وجود این که به موجب قوانین آمریکا، سازمان ها یا افرادی که برای دولتی خارجی کار می کنند باید با اعلام این نکته در وزارت دادگستری ثبت شوند، آیا وزارت دادگستری FDD را که به وظیفه اش عمل نکرده، به دادگاه خواهد کشاند؟

همان طوری که علی ابو نعمه، گرداننده سایت «انتفاضه الکترونیکی» خاطرنشان ساخت: «اگر شما اعترافات ضبط شدهء یک مسئول عالی مقام روسی یا ایرانی یا حتی کانادایی را داشتید که پذیرفته اند کشورشان با عملیات مخفی از شهروندان آمریکایی جاسوسی می کنند و برای این کار از پوشش یک سازمان غیر دولتی NGO استفاده می کنند، مثل یک بمب عمل می کرد!» . گرچه این همکاری ها به FDD خلاصه نمی شوند و تعدادی از مخاطبان کلین فلد مثل آقای بریم به شرط محرمانه ماندن آن را تایید می کند، ولی آنان اضافه می کنند که موضوع «حساس» است و بهتر است زیاد آن را پخش نکرد.

این مستند افشاگری های دیگری هم دارد، مثل برملاکردن روشی که TIP در بیت المقدس، خبرنگاران آمریکایی را «تحویل» گرفته، با هدایت

آن ها، موضوع را «آکبند (حاضر و آماده)» در اختیارشان می گذارند و آن ها کار دیگری ندارند مگر پخش این گزارش ها در آمریکا؛ یا فشارهایی که بر رسانه ها و خبرگزاری ها اعمال می شود تا روزنامه نگاران مقاله ها یا گزارش های خود را تغییر دهند...

گرچه چنین به نظر می آید که امروزه، همه چیز با اسرائیل مساعد است، اما طرفداران امریکائی آن کشور به رغم امکانات شان عصبی هستند. از نگاه آن ها، آینده تاریک جلوه می کند، از جمله در محافلی که قاعدتا موافق و حامی آن ها هستند. خانم واکنین-جیل تایید می کند که : «ما نسل یهودیان متولد بعد از سال ۲۰۰۰ را از دست داده ایم. پدران و مادران آن ها از مشکلاتی که با فرزندان شان در دوران شام شابات دارند صحبت می کنند. [جوان ترها] دولت اسرائیل را به رسمیت نمی شناسند و ما را به مثابه موجودی قابل تحسین نمی نگرند.»

پاورقی ها :

-۱

Lire Serge Halimi, « [Le poids du lobby pro-israélien aux Etats-Unis](#) », *Le Monde diplomatique*, août 1989

-۲

www.aljazeera.com/investigations/th

-۳

Cf. par exemple Richard Silverstein, « [Israel lobby pressures Qatar to kill Al Jazeera documentary](#) », *Tikun Olam*, 8 février 2018

-۴

Clayton Swisher, « [We made a documentary exposing the "Israel lobby". Why hasn't it run ?](#) », *The Forward*, New York, 8 mars 2018

۵- مقاله « قطر تسلیم نمی شود » لوموند دیپلماتیک مارس ۲۰۱۸

<https://ir.mondediplo.com/article2932.html>

-٦

John Mearsheimer et Stephen M. Walt, *Le Lobby pro-israélien et la Politique étrangère américaine*, La Découverte, Paris, 2009

-٧

The Forward, dont la plupart des lecteurs sont des Juifs américains, a publié une enquête sur Canary Mission et sur l'utilisation par les autorités israéliennes de ses informations pour interroger les citoyens américains « suspects » – même juifs – arrivant en Israël. Josh Nathan-Kazis, « [Canary Mission's threat grows, from US campuses to the Israeli border](#) », *The Forward*, 3 août 2018

-٨

<https://canarymission.org/ex-canary>

-٩

Lire « [Propagande et désinformation à l'israélienne](#) » I et II, .Nouvelles d'Orient, Les blogs du Diplo, 13 et 26 janvier 2010